

# شرح کشف روشنفکر و روشنفکری

● بهزاد دوران

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی - تربیت مدرس

## نقش روشنفکر

ادوارد سعید

ترجمه و پیشگفتار: دکتر حمید عضدانلو



■ نقش روشنفکر

■ ادوارد سعید

■ حمید عضدانلو

■ انتشارات آموزش، ۱۳۷۷

است که امکان تمیز ملتها و افراد را فراهم می‌آورد، بدون اینکه همزمان به سلسله مراتب، اولویتها و ارزشیابی‌های پنهان ارجاع داشته باشد. (ص ۱۳۹) با این همه، بحث سعید انتزاعی نیست و مفاهیم جهان شمول مورد نظری، معیارهای رفتار بین المللی و حقوق بشر به معنای جستجوی باطنی برای چراغی راهنما نیست، بلکه منظور همین بیاتیه حقوق بشری است که اگر نه همه کشورها ولی اکثر آنها خود را نسبت به رعایت آن متعهد کرده اند. (ص ۱۴۲)

اما روشنفکر که به روایتی داستانی هم برای گفتن ندارد و به هیچ طریق - نه به کمک سوابقش و نه از طریق دوستانش - نمی‌توان تشریحش کرد (ص ۹۳)، در این میان چه می‌کند؟ و کجای این معادله ایستاده است؟

در درجه اول، سعید خاطر نشان می‌سازد روشنفکر مد نظر وی، فردی است با یک توان ذهنی وقف شده برای فهماندن مجسم کردن و تبیین یک پیام، یک نظریه، یک رویه، فلسفه یا اندیشه، هم برای همگان وهم به همگان. (ص ۴۳) یعنی مالکیت ابزار مبادله موثر که به قول سی رایت میلز سرمایه روشنفکر است (ص ۵۳) و این تنها مشخصه‌ای است که سعید بر آن پا می‌فشارد و روشنفکر هیچ خصلت پیشینی برای تمایز از حیث جنسیت، نژاد، طبقه یا ملیت ندارد. به دیگر سخن هر چند متصدیان مشاغلی که خصلت دانشی (اطلاعاتی) بیشتری دارد، از آمادگی بیشتری برای ورود به جرگه روشنفکری برخوردارند، لیکن با فراگیری، سهولت و سرعت دسترسی به دانش (اطلاعات)، بقسمی که یکی از وجوه بارز عصر پسامدرن، همین خصلت دانشی (اطلاعاتی) جوامع گشته است، هر کس بطور بالقوه می‌توان روشنفکر باشد.

سعید به جد معتقد است روشنفکر، همواره نامحرم و غیر خودی است. (ص ۸۹) به دیگر سخن افرادی را که گرمایش روشنفکر سنتی (روحانیون، معلمان و...) و یاروشنفکر ارگانیک (متصدیان مشاغل دانشی - اطلاعاتی در خدمت آمریتهای اجتماعی، نظیر تبلیغاتچی‌ها، مشاوران و...) می‌خواند، با خودی و محرم خواندن، از جرگه روشنفکری بیرون می‌راند. چرا که روشنفکر همیشه یک مخالف خوان

### الف) مقدمه

آشنایی با ادبیات معاصر، بویژه آثار اندیشمندی که پسامدرن گرا نام گرفتند، فرصتی است مفتاحی که اخیراً با ترجمه آثاری همچون «نقش روشنفکر» ادوارد سعید، بیش از پیش فراهم گردیده است. از جمله ویژگی‌های بارز و بنیادی آثار اندیشمندان پسامدرن گرا می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

- توجه به نقش حیاتی زبان در ادراک جهان و جهان‌های ادراک.

- فرود آمدن از بلندای خنایندگاری، کنار گذاشتن مدعای تلخ و گزنده در اختیار داشتن حقیقت مطلق و پذیرفتن تکثر.

- حاکم دانستن گفتمان در و بر روابط انسانی و نفی یا تشکیک هرگونه آمریت.

- اتخاذ رویکرد انتقادی، چه از بعد هستی‌شناسی و چه از بعد روش‌شناسی.

- ملاحظه فرایندها به جای حالت‌ها.

- در نظر آوردن عقل سلیم «هر دو کوجه» (به قول مرحوم جلال آل احمد در «غریزدگی»)

- رها کردن کلان‌روایات رهایی بخش.

و...

و سعید دارای تمامی این ویژگی‌هاست به استثنای کلان‌روایات که عضدانلو روایات اصلی ترجمه کرده است! باری نگارنده معتقد است بازگویی فرازهای درخشان هر اثر لاف‌لاقی به اندازه به رخ کشیدن فرودهای تاریک آن، جزئی از نقد به حساب آمده و سودمند است. بر این اساس پس از مقدمه، ضمن مرور چکیده مفهومی کتاب، بر اوج‌های آن، تأکید شده، سپس کاستی‌های کتاب مورد موشکافی قرار گرفته و در آخر مزایای صوری کتاب به اختصار بر شمرده شده است.

### ب) خلاصه کتاب

پیش فرض اساسی ادوارد سعید، همچون دیگر منتقدین مدرنیته، از این قرار است که ما در دنیایی که درک می‌کنیم و به زبان می‌آوریم، زندگی نمی‌کنیم، بلکه دنیایی را که به زبان می‌آوریم، درک می‌کنیم و در آن زندگی می‌کنیم. بدین ترتیب از همین یک گزاره مقدم برمی‌آید که نه تنها دوره حقایق ازلی و ابدی سرآمده که دیگر توافقی نیز در مورد شاکله واقعیت (عینی)، موجود نیست و لذا این انسان‌ها باید که سازنده حقایق خود باید به شمار آیند، (ص ۱۳۶) اما در این دنیای تازه که هیچ گونه امتیازی را اعم از ملیت، طبقه، نژاد و جنسیت بر نمی‌تابد. (ص ۲۸) معیار عمل چگونه چیزی خواهد بود؟

سعید قایل به این جهان‌شمولی و گیتی‌باوری (ص ۱۶۹) است که همه انسانها حق دارند از قدرتها و ولت‌های دنیوی انتظار رفتاری مطابق و منطبق با آزادی و عدالت داشته باشند. (ص ۴۳) منظور سعید از آزادی، امکان خدمت به آن چیزی است که باور داریم (ص ۴۹)، آزادی مصالحه ناپذیر عقیده و ابراز آن (ص ۱۳۳). و عدالت مورد نظر سعید، نوعی بیطرفی

## \* پیش فرض اساسی ادوارد سعید این است که ما در دنیایی که درک می‌کنیم و به زبان می‌آوریم زندگی نمی‌کنیم، بلکه دنیایی را که به زبان می‌آوریم، درک می‌کنیم و در آن زندگی می‌کنیم.



\* روشنفکر، فردی است با یک توان ذهنی وقف شده برای فهماندن، مجسم کردن و تبیین یک پیام، یک نظریه، یک رویه، فلسفه یا اندیشه.



\* در هر جامعه‌ای یک اجتماع زبانی وجود دارد که تابع عادات شیوه گفتاری است که از قبل وجود داشته است و یکی از کارکردهای اصلی این اجتماع زبانی، حفظ وضعیت موجود و اطمینان از این است که کارها، آرام، پایدار و بدون چالش پیش بروند

است. همان «دانش پرستی افراطی» فوکو که به معنی جستجو برای یافتن منابع جایگزین و احیای تاریخ‌های فراموش شده است. (ص ۳۲) نکته اصلی روشنفکری: مزاحم بودن، مخالف بودن و حتی ناخوشایند بودن است. (ص ۴۴) در یک کلام روشنفکر کسی است که قادر است در برابر آمریت، حقیقت را به زبان آورد. (صص ۴۲ و ۴۰) حوزه عمل روشنفکر نیز همانند حوزه بحث اندیشمند پسامدرن، پیش از هر چیز زبان است. از سویی کاربرد بدون اشکال زبان (تسلط بر ابزار معادله موثر) و از سوی دیگر آگاهی بر زمان منازعه در زبان (رویکرد انتقادی به دنیایی که به زبان می‌آوریم) (ص ۵۳).

روشنفکر ناگزیر به کاربرد یک زبان ملی است. این اجبار نه فقط به دلایل واضح و روشن راحتی و آشنایی با آن زبان، بلکه به این دلیل که امیلوار است با یک صدای ویژه، یک تلفظ خاص و در نهایت یک دیدگاه منحصر بفرده بر زبان تاثیر بگذارد. (ص ۶۱). چرا که در هر جامعه‌ای یک اجتماع زبانی وجود دارد که تابع عادات شیوه گفتاری است که از قبل وجود داشته است و یکی از کارکردهای اصلی این اجتماع زبانی، حفظ وضعیت موجود و اطمینان از این است که کارها، آرام، پایدار و بدون چالش، پیش بروند.

عبارت‌های پیش پا افتاده، استعاره‌های فرسوده و منسوخ و نوشتارهای سست، نمونه‌های پوسیدگی و زوال زبان‌اند. در نتیجه ذهن کرخ و بی حس می‌شود و غیر فعال می‌ماند و مادام که زبان، اثر موسیقی متن در یک فروشگاه بزرگ را داشته باشد، آگاهی از میان رفته و ذهن برای قبول انفعالی ایده‌ها و احساسات ناآزموده، مهیا می‌شود. (ص ۶۲). بدین ترتیب می‌توان دریافت روشنفکر در مقابل یک شبکه بسیار قدرتمند از آمریتهای اجتماعی (رسانه‌ها، حکومت و شرکتها)، که خواهان حفظ وضع موجود و یا افزایش سود خویشند، وامکان هر تغییری را منتفی ساخته‌اند، بسیار ناتوان بوده و در نهایت نظاره گری است برای فراموش نشدن آسیب‌ها، نابسامانی‌ها و آزارها. (ص ۳۱) یعنی نمایندگی مردم و موضوعاتی که در جریان عادی، یا فراموش شده یا مخفی نگه

مخلص کلام اینکه، روشنفکر، این آواره همیشگی (ص ۵۱)، حاشیه نشین دائمی (ص ۵۳) و در وطن تبعید (ص ۸۹) با تسلط بر ابزار مبادله موثر، هرگونه امتیازی را با پذیرش خطر فراتر رفتن از یقین‌های ساده‌ای که پیشینه، زبان و ملیت، فراهم می‌آورد و در بسیاری موارد، مانع درک حقیقت دیگران می‌شود، به زیر سوال می‌برد. (ص ۲۸) چرا که وظیفه دارد با نمایندگی رنج مشترک مردم خود، گواهی بر مشقت آنها، حمایت از بردباری کنونی آنها، تقویت یادبودهای آنها (ص ۷۸) و از همه مهمتر دادن ویژگی جهان شمول به بحران و پیوند دادن مقیاس انسانی بزرگتر به رنج‌های یک ملت یا نژاد مشخص (ص ۷۹) سعادت و رفاه عمومی را قابل دسترسی سازد. (ص ۵۱)

در این راه، چهار نوع فشار در مقابل آماتورواروی یا ذوق ورزشی روشنفکر - یعنی حرکت نه برای سود یاپاداش بلکه برای عشق و علاقه خاموش نشدنی به منظری وسیع تر - رخ می‌نماید: تک رشته کاری (تخصصی شدن)، منتظر صحت عمل بودن یا تاییدگرفتن از آمرین شایسته، کشش اجتناب ناپذیر به سوی آمریت، و به خدمت قدرتهای متمرکز در آمنت در مطالعه و برنامه ریزی آینده تبلیغاتی و سیاسی (ص ۱۱۷). لیکن خطر منحصر بفردی که امروزه روشنفکر را، چه در غرب و چه در دنیای غیر غربی، تهدید می‌کند، وبه تمام معنا فساد آور است، عادات ذهنی‌ای است که وی را وادار به طفره رفتن یا کناره گیری می‌کند (ص ۱۴۶) و آنچه را که روشنفکر نمی‌پذیرد و آنرا تجاوز ناخوشایند یک قلمرو به جرم اندیش، بجای فرایند بده - بستان و تبادل نظر حیاتی، می‌نشیند و در آن نظام، یک طرف معصومانه نیک و طرف دیگر بی کم وکاست شرور و شیطانی، تلقی می‌شود. (ص ۱۶۲-۳)

### ج (ملاحظه ایرادها

۱- عنوان انگریزی (به قول مرحوم جلال آل احمد نویسنده دو کتاب مربوط و مرتبط «در خدمت و خیانت روشنفکران» و «غربزدگی») کتاب عبارت است از «of the Intellectual Representations» که برگردان فارسی آن می‌تواند «معرفی روشنفکر» یا «روشنفکر کیست؟» باشد، در حالیکه عضدانلو «نقش روشنفکر» ترجمه کرده است. در این ترجمه معنای جامع «Representations» که «شناساندن کسی (در اینجا روشنفکر)» است، به «Role» تقلیل یافته است. این نقیصه بجز اینکه بار معنایی کتاب را از جامعیت می‌اندازد، مشکل دیگری را در تبویب کتاب پدید آورده است: عنوان فصل نخست نیز «نقش روشنفکر» است و این همپوشانی عنوان‌ها - عنوان کتاب با عنوان یکی از فصول کتاب - در اینجا که کتاب یک اثر یکپارچه و نه مجموعه مقاله یا داستان و یا شعر است، ناموجه می‌نماید.

۲- کتاب، حاصل یک رشته سخنرانی از طریق بنگاه سخن پرانی انگلیس (BBC) است. ذکر همین نکته ملاحظاتی چند را در پی می‌آورد:

داشته شده است. (ص ۴۳) جریان روشنفکری، با دلمشغولی در قلمرو همگانی، صرف نظری یا آکادمیک نیست بلکه مشارکت و مذاخله مستقیم را نیز در برمی‌گیرد. (صص ۴-۱۵۳) میان روشنفکر و جریان متوالی زندگی انسان سازگاری وجود ندارد و روشنفکر خود را با زندگی روزمره یا انجام کارهای عادی و مبتذل وفق نمی‌دهد. (ص ۴۹) پرواضح است روشنفکر نه یک صلح طلب و نه یک سازنده وفاق عمومی است بلکه کسی است که همه هستی‌اش به یک تشخیص و تمیز انتقادی موکول است (ص ۵۵) و این موضوع صرف عدم پذیرش منفعلانه نیست چرا که روشنفکر خواهان بیان فعالانه انتقادات خویش است. (ص ۵۶)

آگاهی شکاک، انتقادی و بطور بی‌امان وقف تحقیق و بررسی عقلانی و قضاوت اخلاقی بودن - بر اساس همان معیار اخلاقی جهان شمول - (صص ۳-۵۲) واجد لذتی است که سعید لذت حیرت زده شدن می‌نامد. لذت اینکه شخص هرگز چیزی را بدون آندیشیدن نپذیرد. لذت چاره اندیشی در شرایط متزلزل و بی ثباتی که بیشتر مردم را گیج و هراسان می‌کند. (ص ۹۷) بر این اساس، روشنفکر اشتیاقی ندارد که چیزها را همانگونه که هست، ببیند، بلکه به فرایندی توجه دارد که آنها را به آن صورت درآورده است (ص ۹۸) و همچون واقعیت‌های اجتماعی، نه حقایق طبیعی یا خدادادی و در نتیجه غیرقابل تغییر، دائمی و یازنگشتنی. (ص ۹۹)

به هر حال هیچ نظام و روش گسترده و قابل اطمینانی وجود ندارد که برای روشنفکر، پاسخ‌های مستقیم فراهم آورد. در دنیایی که ساخته تلاش آدمی است، روشنفکر فقط ابزارهایی دنیوی (غیردینی) در اختیار دارد و لذا باید بطور مادام العمر درگیر جدال با همه اولیای بصیرت باشد که هیچ مخالفت و یقین هیچ نوع تنوعی را بر نمی‌تابند (ص ۱۱۳) چرا که با آمریتی که مدعی حق دنیوی برای دفاع از حکم الهی‌اند، در هر کجا که باشند، هیچ منظره‌ای نمی‌توان کرد، چیزی که - منظره - هسته اصلی عمل روشنفکر است (ص ۱۱۴).



« آگاهی شکاک ، انتقادی و به شکل بی امان وقف تحقیق و بررسی عقلانی و قضاوت اخلاقی بودن ، واجد لذتی است که سعید لذت حیرت زده شدن می نامد. لذت اینکه شخص هرگز چیزی را بدون اندیشیدن نپذیرد. لذت چاره اندیشی در شرایط متزلزل و بی ثباتی که بیشتر مردم را گیج و هراسان می کند.

● پذیرش دعوت بی بی سی از سوی سعید، بیانگر تایید عملی نظر دبره در حرکت روشنفکران از دانشگاه ها به موسسات انتشاراتی و از موسسات انتشاراتی به رسانه های توده ای است .

● روشنفکر سعید، معلوم نیست آگاهی خود را از کجا می آورد یا چگونه کسب می کند؟ به دیگر سخن چگونه روشنفکر، روشنفکر می شود؟ این آگاهی ، این رویکرد انتقادی ، این خلاف پارادایم غالب بودن و این بصیرت دیگرگونه از کجا و چگونه حادث می شود؟

● سخنرانی های سعید اول بار از طریق رسانه های توده ای (سمعی - بصری ) انتشار یافته ، آنگاه با کمترین تغییر، به قالب رسانه مکتوب (کتاب ) تقلیل پیدا کرده است . خود پیداست که در همین نقل و انتقال ، بخشی از اثر بخشی پیام از کف رفته است .

● اینکه سعید سخنرانی در بی بی سی را پذیرفته است ، صرف نظر از احساسات نوستالژیک وی که در مقدمه بدان اشاره می دارد، نشانه ارزش و اهمیتی است که وی برای رسانه های توده ای (خاصه تلویزیون ) قایل است . به هر حال وی با شرح خاطرات دوران طفولیت خود، نقش موثر بی بی سی را در شکل دهی افکار عمومی بویژه افکار عمومی کسانی که سعید خود را نماینده آنها می داند - مردم بی پناه و در اینجا فلسطینیان - بازگویی کرده ، با پذیرش سخنرانی در آن بخواهان بهره برداری از این امکان ، به نفع وظیفه روشنفکری خود است .

● پذیرش دعوت بی بی سی از سوی سعید بیانگر تایید عملی نظر دبره در حرکت روشنفکران از دانشگاهها به موسسات انتشاراتی و از موسسات انتشاراتی به رسانه های توده ای است .

● پذیرش دعوت بی بی سی ، به معنی استفاده از پیش فرض «لندن حقیقت را می گوید» نیز تلقی می شود.

● سعید با در نظر گرفتن گستردگی و تنوع مخاطبین تلویزیون سخن می گوید و در نتیجه تنگناهای قرین این رسانه همچون فشار مخاطب و ظرف زمانی ، بر او، به شکل درصدی از عوام زدگی ، اثر گذاشته است . خاصه آنکه وی وسواس و تقیدی هم برای سامان دهی مجدد سخن خود در قالب رسانه جدید - کتاب - ، با حذف شعارها و لحن خطابی و افزودن غنای مفهومی ، روشی و نگارش معمول و مرسوم آکادمیک ، نشان ن داده و صریح بنان معترف است .

● همانگونه که از مدعای سعید نیز می توان دریافت ، مهمترین درگیری روشنفکر، با آمریته ها (حکومت ، رسانه ها و شرکتها) است و ادعای استقلال بی بی سی از نقطه نظرات مقامات رسمی ، محل تردید است . به هر حال آنها در پیوند با قدرت ، قطع اولویت رابه منافع خویش می دهند. لذا ممکن است به سبب حضور روشنفکر در رسانه ، وی را محکوم به عدول کرد. اما باید در نظر داشت که این اتهامی خشن و درعین حال بی معنی است . (ص ۱۰۹) چرا که روشنفکر بجز آنچه که بدان باور داشته به زبان نیآورده است هرچند در این مسیر چیزی هم گیر آریاب قدرت بیاید.

۳- سعید - به عنوان مولف ، مولفی که حق ندارد در نوشته خود زندگی کند (به نقل از آرنو، ص ۹۶) - در این کتاب ، بیش از حد به زندگی خود می پردازد. چیزی که اثر را گاه گاه به «پیام زندگینامه ای شخصی» (ص ۲۶) و یا محطی برای پاسخگویی به منتقدین ، تنزل می دهد.

۴- وی از سویی روشنفکران را آماتور و غیر حرفه ای معرفی می کند و از سوی دیگر هیچ کجا صنف یا طبقه خاصی را خاستگاه وی نمی شناسد - روشنفکری مختص دسته و یا گروه خاصی نیست و هر کس بالقوه می تواند روشنفکر باشد - لیکن گاه و بیگاه به حرفه روشنفکری اشاره می کند. باید پذیرفت حرفه ای به نام روشنفکری وجود ندارد. (کما اینکه فوکو نیز مدعی است هرگز آنها را ندیده است ) ولی حرفه ای هایی وجود دارند که روشنفکرند! به هر حال این نکته ای است که بنظر می رسد خود سعید نیز با آن موافق باشد لیکن در متن «سخنرانی - بعضاً خلط می شود و لذا باید بر آن تظن داشت .

۵- روشنفکر سعید، معلوم نیست آگاهی خود را از کجا می آورد یا چگونه کسب می کند؟ به دیگر سخن ، چگونه روشنفکر، روشنفکر می شود؟ این آگاهی ، این رویکرد انتقادی ، این خلاف پارادایم غالب بودن و این بصیرت دیگر گونه از کجا و چگونه حادث می شود؟ موضوعی که سعید هیچگاه بدان نمی پردازد.

۶- فقدان واژه فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی که از کاستی های جدی در کتب علمی - خاصه علوم انسانی - به شمار می رود، در این کتاب نیز متأسفانه آزار دهنده است .

**د) ویژگی های مثبت کتاب :**

- ۱- تازگی اثر (فاصله سال انتشار کتاب به زبان اصلی تا انتشار ترجمه فارسی آن فقط پنج سال است ) .
- ۲- مولف کتاب ، متفکری از نحله پسامدرن و بسیار سرشناس است .
- ۳- کتاب واجد معرفی مولف و پیشگفتار تفصیلی مترجم است .
- ۴- هر فصل ، ارجاعات خود را در پایان داراست .
- ۵- فهرست منابع در پایان کتاب آورده شده است .
- ۶- وجود نمایه (فهرست راهتما) .
- ۷- فارسی روان و یکدست مترجم .
- ۸- توضیحات لازم ، کافی و مناسب مترجم .
- ۹- آوردن معادل های لاتین در پاورقی ها .
- ۱۰- تعداد کم غلطهای چاپی .